

سخنی چند درباره بیداری روحانی و مسح تازه

نوشته: کشیش بانئ پال نَتَئیل

این روزها یکی از مسایل داغ و دلچسب در کلیساها مسأله بیداری روحانی و مسح تازه است. کشیشان و واعظان مهمان، مسیحیان را دلگرم می‌کنند تا بیداری روحانی را تجربه کنند و مسحی تازه بیابند. آنها وعده می‌دهند که اگر این دو پدیده در زندگی ما باشد، بسیاری از دشواری‌های روحی و عاطفی از میان خواهد رفت؛ بیماری‌ها شفا خواهد یافت، رشد روحانی پدیدار خواهد گشت، پیروزی بر شهوات جسم آشکار خواهد شد و پُری روح القدس را به راستی مشاهده خواهیم کرد.

برای رسیدن به آرمانشهر بیداری روحانی و مسحی تازه، نشست‌های نیایش، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های کلیسایی در مناطق خوش آب و هوای کوهستانی در بیرون شهرها و بلندی‌ها برگزار می‌کنند. سیل سترگ ایمانداران از کلیساهای گوناگون به چنین مکان‌هایی می‌روند تا از جهت روحانی بیدار شوند و مسح تازه بیابند. ناآگاه از اینکه در بسیاری موارد آنچه آنها بیداری روحانی یا مسحی تازه می‌گویند و می‌پندارند احساسی گذرا نیست و پس از چند روزی، کارایی آن به اصطلاح بیداری روحانی و مسح تازه از میان می‌رود. البته گردهم‌آیی ایمانداران به هر انگیزه‌ای که باشد پسندیده و نغز است. ولی لازم است هُشیار باشیم که برای خودمان آرمانشهری از پدیده‌های غیر کتابمقدسی نسازیم و در بند آنها گرفتار نشویم.

«بیداری» بدون پسوند «روحانی» واژه‌ای است که در عهد جدید بارها به کار رفته است. ولی مفهوم آن با آنچه امروزه به خورد ما داده می‌شود از زمین تا آسمان تفاوت دارد. بیداری در کتابمقدس یعنی هُشیار و آگاه بودن؛ یعنی مراقب بودن و با خردمندی رفتار کردن. کتابمقدس آدم بیدار را به گونه‌ای شناسایی می‌کند که هیچ کس نمی‌تواند با وعده‌های پوچ و توخالی سر او کلاه بگذارد و برداشت کث از کتابمقدس را در حکم آموزه بنیادین به وی غالب کند.

مسیح در رابطه با بازگشت دوباره‌اش بارها به شاگردان گفت که بیدار باشید زیرا که آن روز و ساعت را نمی‌دانید (متی ۲۵: ۱۳) و بی‌درنگ داستان‌های سرشناس ده باکره و قنطارها را برای شاگردان بازگو کرد (متی ۲۵: ۱-۳۰). از این رو می‌توانیم به این برآیند برسیم که هدف عیسی مسیح از به کار بردن واژه بیدار بودن، عقل خود را به کار انداختن بود. بر پایه آموزش مسیح، کسی که بیدار است مانند صاحب خانه‌ای است که می‌داند دزد در چه پاسی از شب می‌آید و نمی‌گذارد به خانه‌اش نقب بزند (متی ۲۴: ۴۳). مسیح کسی را که بیدار است در حکم حاضر، امین و دانا شناسایی می‌کند (متی ۲۴: ۴۴-۴۵). به نظر می‌رسد که بهترین بازگو برای بیداری، همانا بیداری کتابمقدسی باشد. یعنی هُشیار بودن، آگاهی داشتن، مراقبت کردن و با خردمندی رفتار نمودن در برابر مسایلی که کتابمقدس آموزش می‌دهد و لازم است که در زندگی روزمره انجام بدهیم.

مسأله بیداری در کتابمقدس ارتباط تنگاتنگ با پُری روح القدس دارد. در داستان ده باکره، چرایی دانا بودن پنج باکره این بود که دانایان روغن کافی در ظروف خود داشتند و توانستند مشعل‌های خود را اصلاح کنند (متی ۲۵: ۱-۱۳). و از سوی دیگر در افسسیان ۵: ۱۸ می‌خوانیم که «مست شراب مشوید که در آن فجور است، بلکه از روح پُر شوید.» در اینجا پولس فرستاده، مستی و بی‌خبری برآمده از نوشیدن شراب را در برابر هُشیاری و خردمندی برآمده از پُری روح القدس قرار می‌دهد. کسی که مست است عقل درست و حسابی ندارد. کار روح القدس مست کردن ایمانداران نیست. در روز پنتیکاست پطرس فرستاده به روشنی اعلام کرد: «که اینها مست نیستند، چنانکه شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم (نه بامداد) از روز است (اعمال رسولان ۲: ۱۵).

کسانی که پُر از روح القدس هستند بیداری ویژه‌ای نسبت به حقایق کتابمقدس دارند، زیرا روح خدا آموزش‌های مسیح را به یاد آنها می‌آورد (یوحنا ۱۴: ۲۶).

شوربختانه واعظان و کشیشانی هستند که ما را به بیراهه می‌برند و به اصطلاح بیداری‌های روحانی را نوید می‌دهند که نمونه برداری از پدیده‌های دنیوی برای لذت بردن از اوج هیجان‌ات و احساسات آدمی است. به راستی به جای اینکه ما را بیدار کنند به خواب غفلت فرو می‌برند و به جای اینکه ما را هشیار و خردمند گردانند به مستی احساسی دچار می‌سازند. کار آنها مانند اشعه‌ای است که در دستگاه مایکروویو مایه می‌گردد مولکول‌های غذا با سرعت به هم برخورد کنند و بر اثر اصطحکاک آنها با یکدیگر گرمای دروغین ایجاد شود. و این گرمای دروغین را آتش روح القدس یا مسح تازه می‌نامند. این گونه گرمای زودرس، زود گذر است و به محض تمام شدن نمایش آنها، پس از زمان کوتاهی دوباره سردی احساسی هستی ما را فرا می‌گیرد.

کار ژرف روح القدس در ما مانند آتش اجاق آشپزخانه است که آهسته آهسته مولکول‌های غذا را یکی یکی گرم می‌کند و با گذشت زمان کافی در ما کاری انجام می‌دهد که پس از خاموش شدن اجاق برای دیر گاهی همچنان گرم باقی می‌مانیم. این گرما برخلاف گرمای مصنوعی مایکروویو از بیرون بر ما تحمیل نشده، بلکه ما را از درون گرم می‌کند. به همین انگیزه غذایی که روی اجاق آشپزخانه پخته می‌شود خوشمزه‌تر از آن چیزی است که در مایکروویو در زمان کوتاهی گرم می‌کنیم تا بخوریم.

هستند واعظان و کشیشانی که به زور کوشش می‌نمایند به اصطلاح بیداری روحانی و مسح تازه را در ما تزریق کنند. برای انجام این مهم، روش‌های دلچسب و گیرا به کار می‌برند. برای نمونه فریاد می‌زنند؛ ورجه وورجه می‌کنند؛ از روی نیمک‌های کلیسا بالا و پایین می‌روند؛ با چهره خشمگین و ترشرو به شرکت کنندگان دستور بشین و پاشو می‌دهند؛ با بکارگیری میکروفون و دستگاه‌های تقویت صدا و همراه با موزیک گفتاری و شکسته، مردم را به هیجان می‌آورند. برخی از آنها هی تکرار می‌کنند که روح القدس یا خدا اینجاست و مسح ویژه‌ای را احساس می‌کنند. گاهی با بی‌احترامی کتابمقدس را در دست می‌گیرند یا به گوشه‌ای پرتاب می‌کنند. لباس‌هایی در سطح هنرپیشگان هالیوود می‌پوشند و با آرایش‌های زننده و موهای مصنوعی قصد در جلب توجه مردم در برابر خود دارند. به راستی که هیچ یک از کارهایی که انجام می‌دهند در کتابمقدس یافت نمی‌شود و بنیاد کتابمقدسی ندارد. هدف آنها تنها یک چیز است که ما را به آرمانشهر بیداری روحانی و مسح تازه برسانند. زهی گمان باطل.

راستی این «مسح» چیست که همواره دنبال گونه «تازه» آن هستیم؟ این روزها درباره مسح، بسیار می‌شنویم. برخی ادعا می‌کنند که تنها خودشان مسح ویژه دارند و می‌گویند شما نیز باید نیایش کنید و روزه بگیرید تا شاید مانند ما مسح ویژه را بیابید. کسان دیگر می‌گویند که برای یافتن مسح باید به مکان ویژه‌ای برویم و فلان کشیش روی ما دست بگذارد. برخی هم هستند که مسح را به اشتباه با عطای روحانی یکی می‌دانند. یعنی اگر کسی نبوت می‌کند، آموزش می‌دهد، معجزه می‌کند پس مسح دارد ولی اگر فاقد عطای ویژه است پس مسح ندارد. برای نمونه می‌گویند که فلانی مسح آموزش کتابمقدس دارد. البته مقصودشان عطای آموزش است. فلانی مسح شبانی دارد، یعنی عطای شبانی دارد. کسانی هم می‌گویند که تو باید نیایش کنی تا ببینی که چه مسیحی داری تا بر پایه مسیحی که یافته‌ای خدمت کنی.

یکی دانستن مسح با عطا، مفهوم کتابمقدسی مسح را کوچک می‌کند، از ارزش آن می‌کاهد و اجازه نمی‌دهد که مفهوم آن را عمیق‌تر درک کنیم. کتابمقدس در خروج باب ۳۰ آموزش می‌دهد که مفهوم مسح برمی‌گردد به «عطر» یا «بوی خوش». در آنجا خدا فرمان درست کردن روغن مسح را به موسی می‌دهد. این روغن مسح را که خوشبو بود بایستی برای تدهین خیمه اجتماع،

تابوت شهادت و تمام چیزهایی که در آنجا بود مانند ظروف، میز نان تقدّمه، مذبح بخور، مذبح قربانی، چراغدان، حوض با پایه‌هایش و سپس برای هارون و کاهنان دیگر به کار می‌بردند. یعنی هم برای خوشبو کردن اشیا بود و هم برای تدهین آدمیان. بوی خوش روغن مسح، نمایانگر تقدس آن مکان و کسانی بود که در آنجا خدمت می‌کردند. خدا می‌خواست به مردم آموزش بدهد که مکان پرستش او مقدس است و خادمانش نیز مقدس هستند، زیرا او خدای قدوسی است. این بوی خوش برای مردم، قدوسیت ایزدی را نشان می‌داد. هنگامی که روغن مسح را بر سر هارون و پسرانش می‌ریختند، از سر آنها پایین می‌آمد، صورت و ریش آنان را فرا می‌گرفت و سپس به دامن ردای ایشان می‌رسید (مزمور ۱۳۳: ۲).

اردوگاه بنی‌اسرائیل را در بیابان مجسم کنید: دو میلیون آواره یهودی در بیابان، بوی عرق، بوی حیوانات و فضولات آنها، بوی قربانی‌ها و بوهای گوناگون دیگر. در میان آن همه بوهای بد و زننده، بوی خوش روغن مسح به مشام می‌رسید. این مسح هیچ ارتباطی به چیرگی یا تخصص، نوع خدمت، روش موعظه یا فن سخنوری کاهنان نداشت. اصلاً مهم نبود که خادمان در آنجا موعظه می‌کردند یا معجزه، سرود می‌خواندند یا قربانی‌ها را ذبح می‌نمودند. آن مسح تنها و تنها مربوط می‌شد به بوی خوشی که در اردوگاه به تقدیس و تخصیص آنها و قدوسیت خدا شهادت می‌داد. بنابراین می‌توانیم به این برآیند برسیم که مسح یعنی آن بوی خوشی که بر اثر جاری شدن روغن روح‌القدس از ما به مشام می‌رسد.

در عهد عتیق تنها کاهنان، پیامبران و پادشاهان این مسح را داشتند، ولی از آنجا که در عهد جدید همه ما پادشاهان و کاهنان هستیم (مکاشفه ۱: ۶) پس به گونه یکسان از آن مسح برخورداریم. مسح یکی بیشتر از مسح دیگری نیست. فرستاده سالخورده و کارآموده خداوند که ارتباط نزدیکی با مسیح داشت در رساله نخست خود چنین می‌فرماید: «اما شما (همه ایمانداران، زیرا رساله او همگانی است) از آن قدوس (از خود خدا، نه از این کشیش و آن سخنران، بلکه از خود خدای قدوس) مسح (روغن خوشبوی روح‌القدس) را یافته‌اید» (اکنون، در زمان حاضر مسح از آن شماس است. نیاز نیست دنبال آن مسح، بالای قله کوه قاف بگردید) (اول یوحنا ۲: ۲۰).

یوحنا فرستاده، در اول یوحنا ۲: ۲۷ می‌افزاید: «اما در شما آن مسح که از او یافته‌اید ثابت است.» بله عزیزان، آن مسح که یافته‌ایم در ما ثابت است، تغییر پیدا نمی‌کند، مانند روغن مسح در عهد عتیق زود گذر نیست، بلکه تزلزل ناپذیر است. ولی مسح‌های انسانی که از این سخنران و آن کشیش به اصطلاح جاری می‌شود مختص به همان لحظه‌ای است که چیزی احساس می‌کنیم. مسح، تنها در نشست‌های نیایش، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های کلیسایی، نشست‌های بیداری روحانی، در این واعظ و آن کشیش نیست. بلکه مسح در شماس است. اکنون آن را به واسطه باور آوردن به مسیح و تعمید در روح‌القدس یا پُری روح یافته‌اید. شما آن مسح را دارید. مسح، هیچ‌گونه ارتباطی با احساسات ما ندارد. چه حس نکنیم، چه حس نکنیم آن مسح بر پایه کتابمقدس در ما ثابت است و باقی می‌ماند. مسح بیرون از ما و در آسمان نیست، بلکه درون ما قرار گرفته است (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷).

ولی ببینیم که کارکرد مسح در رابطه با ایمانداران و بی‌ایمانان چگونه است. در باره تیره اسرائیل دیدیم که بوی خوش روغن مسح در اردوگاه دو میلیونی می‌پیچید و این بو نشانگر قدوسیت خدا و تقدس خیمه پرستش و کاهنان بود. در جهان بیش از شش میلیاردی کنونی هم بوی خوش مسح ایزدی از ایمانداران و کلیسا به مشام می‌رسد. پولس فرستاده در دوم قرنتیان ۲: ۱۵ و ۱۶ می‌گوید: «خدا را عطر خوشبوی مسیح می‌باشیم؛ هم در ناجیان و هم در هالکان. اما اینها را عطر موت الی موت و آنها را عطر حیات الی حیات.» یعنی بوی خوش مسیح که بدست روح‌القدس در ما ایجاد گردیده و قرار گرفته، از راه ما به مشام خدا و مشام

مردم می‌رسد.

مردم به دو دسته بخش می‌شوند: ناجیان و هالکان. برای ناجیان بوی خوش مسیح که از راه ما به مشام می‌رسد، بوی موت است. بدین معنی که در میان ایمانداران بوی زندگی مصلوب شده با مسیح را به مشام یکدیگر می‌رسانیم. نشان ویژه مسح در ناجیان این است، نه افتادن بر روی زمین، نه خواب و رؤیا، نه مور مور شدن موهای بدن، نه داد و بیداد راه انداختن و به خلسه فرو رفتن. ولی برای هالکان یعنی برای کسانی که هنوز به مسیح باور نیاورده‌اند، بوی خوش مسیح که از ما به مشام می‌رسد، بوی حیات است. در دنیای بی‌ایمان، بوی خوش مسح که در ایمانداران است، حیات و امید را به گناهکاران می‌بخشد و آنها را با خدا آشتی می‌دهد.

ولی پرسش اینجاست: «آیا مردم بوی خوش مرگ و حیات را از ما می‌بویند؟ آیا بوی حیات و نجات از ما به مشام غیر مسیحیان می‌رسد؟ آیا بوی موت یعنی زندگی مصلوب شده با مسیح و نفس مرده از ما به مشام ایمانداران می‌رسد یا هنوز منم منم بر تخت قدرت نشسته است و برای خویشتن فرمانروایی می‌کند؟»

عیسای مسیح در انجیل یوحنا ۷: ۳۷-۳۹ گفت که هر که به او ایمان بیاورد از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. ولی مقصود او از نهرهای آب زنده روح‌القدس بود، زیرا که روح خدا هنوز عطا نشده بود چونکه عیسی تا آن زمان جلال نیافته بود. ما اکنون در چه زمانی زندگی می‌کنیم؟ پیش از آمدن مسیح، در حین آمدن او یا پس از صعود او به آسمان؟

شوربختانه بسیاری از مسیحیان هیجانی و احساساتی گویا در زمانی زندگی می‌کنند که مسیح هنوز به آسمان نرفته یا جلال نیافته و روح‌القدس نازل نشده است. برای همین هی دنبال نزول روح‌القدس هستند و خود را در روزهای پیش از پنطیکاست می‌بینند. بدین معنی که برای یافتن پُری روح‌القدس انتظار می‌کشند، دعاهای طولانی می‌کنند و روزه می‌گیرند، جیغ می‌زنند و گریه‌های سوزناک سر می‌دهند. سرانجام هم آنچه می‌یابند روشن نیست که چیست؟ آیا روح‌القدس است، مسح است، احساس است، تقلید از این و آن است یا در اصل هیچ چیز نیست.

از سوی دیگر بسیاری از مسیحیان عتیقه و بازنشسته که بار تجربیات باشکوه گذشته کمرشان را خم کرده و دست به عصا راه می‌روند، آن قدر زندگی خشک و بی‌جان دارند که گویی هرگز روحی به جز روح شریعت‌گرایی و خشکه مذهبی بودن نیافته‌اند. در اینجا زبانزد ایرانی مصداق پیدا می‌کند که نه به آن شوری شور، نه به این بی‌نمکی. خدا نه آن زیاده روی را می‌پسندد و نه این بی‌تفاوتی را می‌پذیرد.

آنچه در این راستا مایه می‌شود که گرمای روح خدا یا آن مسح ایزدی را هر روزه در زندگی خود تجربه کنیم و پیوسته بیدار به مفهوم واژه باشیم دانستن سه چیز است:

۱. **بدانیم کی هستیم.** ما فرزندان خدا و در روح، خانه خدا هستیم. ما هم ارث با مسیح و هم میهن مقدسان هستیم. پیش از بنیاد جهان برگزیده شده‌ایم تا شریک در طبیعت و قدوسیت خدایی باشیم. ما کاهنان و پادشاهانی هستیم که فرا خوانده شده‌ایم تا خدا را به روح و راستی بپرستیم و تا به ابد در حیات سلطنت نماییم.

۲. **بدانیم چی داریم.** ما پیش پرداخت روح‌القدس را بی اندازه یافته‌ایم، زیرا خدا روح را به میزان عطا نمی‌کند. قوت رستاخیز مسیح از مردگان در ما قرار دارد و کار می‌کند. در درون ما نهرهای آب زنده هست که تمام هستی ما را سیراب می‌سازد. شریعت

خدا در دل‌های ما حک شده است. خدا را داریم که پدر ماست؛ مسیح را داریم که برادر، خداوند، شفیع و شبان ماست؛ روح‌القدس را داریم که آموزگار، تسلی دهنده و پشتیبان ماست.

۳. بدانیم چه باید بکنیم. لازم است که به روح‌القدس رفتار کنیم تا شهوات جسم را انجام ندهیم (غلاطیان ۵ : ۱۶). باید به آموزش‌های آن مسح که در ما ثابت است گوش فرا دهیم (اول یوحنا ۲: ۲۷). بایستی همیشه نیایش کنیم و تنبلی ننماییم (لوقا ۱۸: ۱). محبت خود را در برابر مسیح از راه اجرای احکام او نشان دهیم (یوحنا ۱۴: ۱۵). کوشش کنیم که زندگی پاک و مقدس داشته باشیم، وگرنه خدا را هرگز نخواهیم دید (عبرانیان ۱۲: ۱۴).

هنگامی که بدانیم کی هستیم، چی داریم و چه باید بکنیم پُری روح‌القدس، مسح و بیداری را به مفهوم واژه تجربه خواهیم کرد. به راستی که مانند درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهیم شد که میوه‌اش را در موسم می‌دهد و برگش پژمرده نمی‌گردد (مزمور ۱: ۳). آیا می‌خواهید این وضع را داشته باشید یا اینکه مانند زمینی باشید که متروک و قرین به نفرین و در پایان سوخته می‌شود (عبرانیان ۶ : ۸)؟ اختیار با خود شماست.

Persian Christian Church
P.O Box 27525, Fresno, CA 93729
Email: PersianCC@aol.com
www.nanezendegi.com
www.youtube.com/persiancc1
Phone: 559.554.3141